

مروری بر کتاب
مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان
دوره ۲۴، شهریور ۱۴۰۴، ۵۷۴-۵۷۱

مروری بر کتاب کار با والدین در درمان: رویکردی مبتنی بر ذهنی سازی
A Review of the Book Working with Parents in Therapy: A Mentalization-Based Approach

زینب زمانپور^۱
Zeinab Zamanpour

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲ ارسال مقاله به نویسنده جهت اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳ دریافت اصلاحیه از نویسنده: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

Received: 12/05/25 Sent for Revision: 24/05/25 Received Revised Manuscript: 07/06/25 Accepted: 09/06/25

معرفی کتاب

کتاب "کار با والدین در درمان: رویکردی مبتنی بر ذهنی سازی" در فوریه سال ۲۰۲۳ میلادی توسط انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) به چاپ رسیده است. این کتاب در ۳۸۹ صفحه و در قالب ۱۴ فصل، توسط نورکا مالبرگ (Norka T. Malberg)، الیوت جوریست (Elliot Jurist)، جردن بیت (Jordan Bate) و مارک دنجرفیلد (Mark Dangerfield) نوشته شده و رویکردی مبتنی بر ذهنی سازی را برای کار با والدین ارائه می‌دهد. مالبرگ روان‌تحلیل‌گر کودک و نوجوان است، جوریست استاد روان‌شناسی و متخصص در ذهنی سازی، بیت روان‌شناس بالینی با تمرکز بر دلبستگی و تأثیر تجربیات نامطلوب کودکی بر فرزندپروری، و دنجرفیلد متخصص درمان‌های ذهنی سازی برای نوجوانان در معرض خطر است. این کتاب با ترکیب دانش بالینی و پژوهشی، راه کارهای کاربردی را برای حمایت از والدین در فرآیند درمان ارائه می‌دهد. این کتاب تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده است.

درمان مبتنی بر ذهنی سازی (MBT) امروزه به عنوان یک رویکرد شناخته شده برای حمایت از افراد در تمام مراحل زندگی -از نوزادی تا بزرگسالی- و خانواده‌هایی با مشکلات سلامت روان مطرح است. این روش با بهره‌گیری از یک رویکرد یک‌پارچه و فراتشخیصی، چارچوبی ذهنی سازی شده را برای کار با والدین ارائه می‌دهد که تأثیر محیط اجتماعی-فرهنگی بر روند رشد فرزندپروری را در نظر می‌گیرد. این مدل، بر اصول رشدی استوار است و فرزندپروری را به عنوان یک مسیر پویا و در حال تحول در طول عمر می‌بیند. همین نگرش، ساختار فرآیند درمانی را در کار با والدین مشخص می‌کند؛ به این معنا که ارزیابی، تدوین و تنظیم مداخلات، نه فقط بر اساس چالش‌های تربیتی، بلکه با توجه به ویژگی‌های فردی والدین مانند سبک دلبستگی، خلق‌وخو و سازمان‌دهی شخصیت انجام می‌شود. این کتاب چارچوبی تعاملی و رشدی برای کار با والدین ارائه می‌دهد که نقش والدین، کودکان و درمان‌گران را

۱- دانشجوی دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

به‌طور هم‌زمان در نظر می‌گیرد. با ادغام تحقیقات بالینی روان‌پویشی، نظریه‌های مرتبط و کاربردهای عملی، مدلی از مداخله بر پایه فرآیند داربستی (Scaffolding process) شکل گرفته که بر اصول نظری ذهنی‌سازی معاصر استوار است. تمرکز اصلی این کتاب، تقویت و احیای ظرفیت تأملی والدین (Parental reflective functioning) با در نظر گرفتن تنوع در شیوه‌های تربیتی امروزی است.

در ابتدا نویسندگان مشروعیت، اعتبار و اثربخشی کار روی فرزندپروری از منظر بالینی و پژوهشی را نشان می‌دهند. ناظر به این مطلب، سخن پیترو فوناگی (پدر نظریه ذهنی سازی) در دیباچه این کتاب است که به صراحت، پرداختن به مسائل فرزندپروری در همه حوزه‌های بالینی را به عنوان راهی برای شکستن چرخه انتقال آسیب بین نسلی بیان می‌کند. سپس نویسندگان برای توضیح یک رویکرد نظری خاص، تکنیک‌هایی را که از آن استخراج می‌کنند و ایده‌های خود را برای کار با والدین در همه سنین به کار می‌برند.

در **مقدمه و فصل اول** کتاب، با اشاره به تغییر ساختار خانواده‌ها و چالش‌های جدید والدین در چند دهه‌ای اخیر و به تبع آن تغییر در سبک‌های فرزندپروری، نیاز به یک رویکرد درمانی جامع و ساختار یافته را بیش از پیش مطرح می‌کند. سپس، با معرفی این کتاب به‌عنوان یک مدل درمانی جامع مبتنی بر ذهنی‌سازی، والدین را در درک بهتر چالش‌ها و بهبود ارتباط با فرزندانشان یاری می‌دهد.

فصل دوم با عنوان "ذهنی‌سازی و ظرفیت تأملی والدین در زمینه رشد" بر اهمیت ذهنی‌سازی در فرزندپروری

تمرکز دارد و نشان می‌دهد که چگونه والدین می‌توانند با تقویت ظرفیت تأملی خود (همان ذهنی‌سازی در فرزندپروری)، مشکلات کودک و چالش‌های عاطفی را بهتر مدیریت کنند. همچنین بر نقش درمان‌گر در کمک به والدین برای درک و مدل‌سازی روابطشان، ایجاد محیطی امن برای پردازش احساسات، شناسایی و بازگشت به ذهنی سازی از طریق تعامل هماهنگ، و بهبود روابط والدین و فرزندان با تمرکز بر کار با احساسات تأکید دارد.

فصل سوم با معرفی دو مفهوم کلیدی اعتماد معرفتی (Epistemic trust) و عاطفه ذهنی‌سازی شده (Mentalized affectivity) در فرزندپروری شروع می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان آن‌ها را در کار با والدین گنجانده. این فصل، نظریه و تحقیق در مورد اعتماد معرفتی را به "کار درمانی با والدین" تعبیر می‌کند، جایی که اعتماد معرفتی در مکانیسم‌های عمل درمان و اهداف تغییر در روابط والدین با فرزندانشان نقش اساسی دارد.

فصول چهارم، پنجم و ششم به بررسی تأثیر تجربیات دوران کودکی بر سلامت روان و نقش فرزندپروری در تنظیم روابط اجتماعی-عاطفی پرداخته و یک مدل درمانی جامع ارائه می‌دهند. فصل چهارم با تمرکز بر ناملایمات دوران کودکی و مفهوم «ارواح در مهدکودک: Ghosts in the nursery»، نشان می‌دهد که چگونه تجربیات اولیه می‌توانند در رفتار والدین و ارتباط آن‌ها با فرزندانشان تأثیرگذار باشند. فصل پنجم چالش‌های ارزیابی در درمان بزرگسالان و کودکان را بررسی کرده و به خلأهای موجود در رویکردهای درمانی اشاره می‌کند، درحالی‌که مدل

درمانی معرفی شده تلاش می‌کند این خلأها را با روش‌های ارزیابی و فرمول‌بندی دقیق پر کند. در ادامه، فصل ششم مفهوم داربست‌بندی (Scaffolding process) را به عنوان روشی برای حمایت از رشد ذهنی‌سازی والدین ارائه داده و بر فرآیند درمانی‌ای متمرکز است که از طریق تنظیم توجه، تنظیم عاطفه و ذهنی‌سازی صریح، ظرفیت تأملی والدین را تقویت کرده و چرخه‌های غیرذهنی‌سازی را کاهش می‌دهد.

فصل هفتم با تمرکز بر تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی در سبک‌های فرزندپروری، سه عامل اصلی تأثیرگذار گرمی عاطفی (Emotional warmth)، خودمختاری (Autonomy)، و ساختار (Structure) را معرفی کرده و چالش‌های محیطی مانند تغییرات خانوادگی، مهاجرت، و فقر را بررسی می‌کند. همچنین، این فصل نشان می‌دهد که چگونه رویکرد مبتنی بر ذهنی‌سازی می‌تواند به والدین در مدیریت این چالش‌ها کمک کند.

فصول انتهایی کتاب به بررسی گذار والدین و فرزندان از مراحل مختلف رشد، از پیش از تولد تا جوانی، می‌پردازند.

فصل هشتم به لحظات رشدی و تفاوت‌های فردی والدین در دوره قبل از بارداری و سال اول نوزادی پرداخته و نقش اطلاعات اجتماعی-فرهنگی را در شکل‌گیری تجربیات والدین بررسی می‌کند. **فصل نهم** نشان می‌دهد که چگونه رشد کودک در سال‌های نوپایی، فرزندپروری را تحت تأثیر قرار داده و چالش‌هایی را ایجاد می‌کند؛ در این فصل، مدل ذهنی‌سازی با تمرکز بر تنظیم توجه، تنظیم عاطفه و ذهنی‌سازی صریح معرفی شده است. **فصل دهم** به سنین

مدرسه پرداخته و انتظارات جدید والدین و کودکان را با تمرکز بر نقش تعاملات اجتماعی و محیط‌های آموزشی تحلیل می‌کند. **فصل یازدهم** بر چالش‌های ارتباطی والدین و نوجوانان تأکید دارد و اهمیت اعتماد معرفتی و ذهنی‌سازی را در کاهش تعارض‌های خانوادگی بررسی می‌کند. در نهایت، **فصل دوازدهم** به دوران جوانی پرداخته و نقش ذهنی‌سازی در حمایت از استقلال فردی را بررسی کرده و چالش‌های والدین در تعامل با فرزندان جوان خود را تحلیل می‌کند. این فصول به طور پیوسته نشان می‌دهند که چگونه ذهنی‌سازی می‌تواند به بهبود روابط والدین و فرزندان و تسهیل رشد روان‌شناختی کمک کند.

رویکرد ذهنی‌سازی در درمان کودک، والدین را به بازنگری در نقش‌ها و روابطشان سوق می‌دهد و حتی ممکن است آن‌ها را به درمان فردی یا زوجی ترغیب کند. این مطلب که موضوع **فصل سیزدهم** است، زوج‌درمانی را فرصتی منحصربه‌فرد برای مشاهده و تقویت ذهنی‌سازی معرفی می‌کند، زیرا درمانگران نه تنها درباره تعاملات زوج‌ها می‌شنوند، بلکه آن‌ها را در لحظه مشاهده می‌کنند. **فصل چهاردهم**، به عنوان سخنان پایانی، بر پیچیدگی‌های ذهنی‌سازی و دشواری‌های کار با والدین تأکید دارد. نویسندگان در این فصل خاطر نشان می‌کنند که ذهنی‌سازی یک ظرفیت رشدی است که در بستر روابط شکل می‌گیرد و مستلزم فروتنی، همدلی، کنجکاوی و آگاهی از تأثیر رفتار بر دیگران است. همچنین، به چالش‌های درمانگران در مواجهه با والدینی که در نقش‌های خود دچار سردرگمی یا

روابط گذشته بر سبک‌های تربیتی‌شان هستند، می‌توانند از این اثر بهره ببرند. نویسندگان این مجموعه ارزشمند، فرصتی عالی برای بازاندیشی نقش والدین، درمان‌گران و پژوهش‌گران حوزه رشد کودک فراهم کرده‌اند؛ لذا اگر به دنبال راه‌هایی برای تقویت ذهنی‌سازی در فرزندپروری و بهبود ارتباط والدین و فرزندان هستید، این کتاب یک منبع معتبر و کاربردی خواهد بود.

رنج هستند، پرداخته و تأثیر این کار بر خود درمان‌گران را بررسی می‌کند. این کتاب یک راهنمای جامع برای درمان‌گران، روان‌شناسان، مشاوران و متخصصان سلامت روان است که با والدین کار می‌کنند و به دنبال درک بهتر فرآیند ذهنی‌سازی در فرزندپروری هستند. همچنین، والدینی که علاقه‌مند به بهبود ارتباط با فرزندان خود و درک تأثیر

ارجاع: زمان‌پور ز. مروری بر کتاب کار با والدین در درمان: رویکردی مبتنی بر ذهنی‌سازی. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، سال ۱۴۰۴، دوره ۲۴ شماره ۴، صفحات: ۵۷۴-۵۷۱.

Citation: Zamanpour Z. A Review of the Book Working with Parents in Therapy: A Mentalization-Based Approach. *J Rafsanjan Univ Med Sci* 2025; 24 (6): 571-4 [Farsi]